




## جنگ موانع در شلمچه

### روایت علی شیروانی در یادمان شلمچه

امیر محمد حکمتیان\*

متن حاضر، روایت علی شیروانی از رزمندگان لشکر ۱۴ امام حسین <sup>(ع)</sup> در هشت سال دفاع مقدس، در جمع کاروان ۴۰۰ نفره بسیج دانشجویی اصفهان در یادمان شلمچه است. شیروانی پس از بیان مقدمه‌ای کوتاه به تشریح اهمیت سیاسی و نظامی شلمچه برای ایران و عراق در مقاطع قبل و بعد از انقلاب، پیش از جنگ، آغاز جنگ، آزادسازی خرمشهر در عملیات بیت‌المقدس، ورود به خاک عراق در عملیات رمضان و عملیات‌های سرنوشت‌ساز کربلای ۴ و ۵ پرداخت. در نوشتار حاضر ابتدا متن کامل روایت و سپس ارزیابی آن درج شده است.	چکیده	

#### متن روایت

«بسم الله الرحمن الرحيم

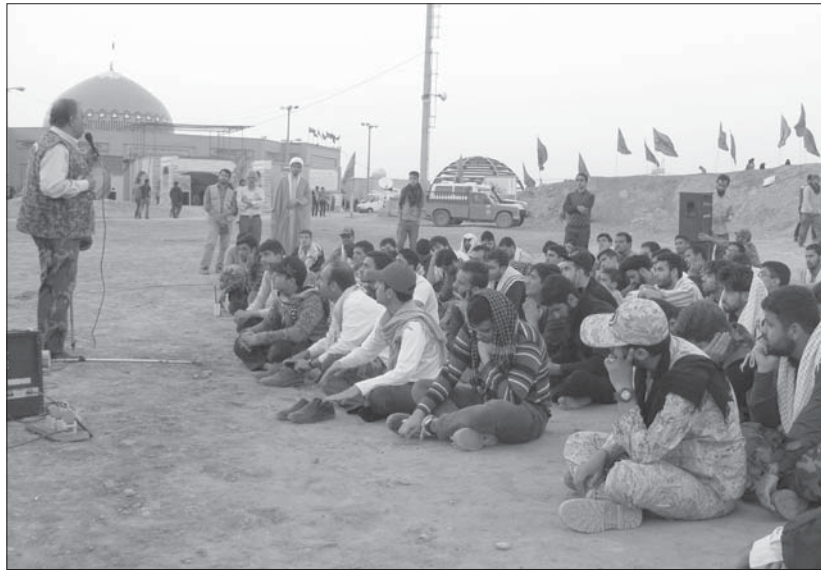
آمدم من سفری سوی دیار شهدا  
 که طوافی بکنم گرد مزار شهدا  
 به امیدی که دل خسته هوایی بخورد  
 و تبرک شوم از گردوغبار شهدا

#### تشریح اهمیت استان خوزستان

اینجا شلمچه است. شلمچه اسم پاسگاهی است که از قبل از انقلاب هم به همین نام بود. اینجا استان خوزستان است. ما ۱۲۰۰ کیلومتر با عراق مرز مشترک داریم. ۵ استان ما یعنی خوزستان، ایلام، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی استان‌هایی‌اند که هم‌مرز

\* کارشناس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس





روایت علی شیروانی، یادمان شهدای عملیات کربلا ۵ (شلمچه)، اسفندماه ۱۳۹۵.

شهری بندری و صنعتی بود؛ یعنی بعد از بغداد بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهر، بصره بود. اینها را گفتم که شما یک مقدمه و زمینه‌ای در ذهنتان بیاید. اینجا نقطه صفر مرزی است. این پاسگاه آجری که می‌بینید قلعه دارد، پاسگاه ایران روی مرز است. آن پاسگاه سفید که پشت آن پرچم‌های سبز قرار دارد، پاسگاه عراق است....

### مقاومت ۳۴ روزه در خرمشهر

اولین مکانی که دشمن از آنجا وارد خاک ایران شد و بیشترین نیرویش را به کار برد، همین شلمچه بود. یک‌سری مقاومت‌های جسته‌و‌گریخته‌ای جلو عراق انجام شد، چون کسی نبود. تعدادی از نیروهای سپاه خرمشهر به فرماندهی شهید محمد جهان‌آرا، تعدادی از نیروهای ژاندارمری و ژاندارم‌های مرزی و تعدادی هم از مردم شهر مقاومت کردند، ولی

اشغال می‌کنم. اما عزیزانم، جوان‌های باغیرت این مملکت ۳۴ روز در خرمشهر با دست خالی جلو ارتش قدرتمند صدام ایستادند.

### اهمیت شلمچه برای ایران و عراق

به‌هرحال، شلمچه نقطه‌ای از استان خوزستان است و این استان مرکز ثقل جنگ بود، ولی اگر در کل استان خوزستان بخواهیم یک منطقه بااهمیتی را برای جنگ انتخاب کنیم، آن منطقه شلمچه است. اولین تیری که رد شد و درگیری‌ها شروع شد، از این منطقه شلمچه شروع شد و از طرفی شلمچه سرنوشت جنگ را معلوم کرد. جایی که جنگ تمام شد هم شلمچه بود. ارزش یک متر از خاک شلمچه از نظر استراتژی و نظامی برابر با ۱۰ کیلومتر در سایر مناطق مرزی بود. قرینه شهر خرمشهر آن طرف در عراق شهر بصره است. شهر بصره دومین شهر عراق،



یکی اینکه دو سه هزار کیلومتر از سرزمین‌های ما مثل سومار، دهلران، قصرشیرین، نفت‌شهر و خیلی از ارتفاعات سرزمین ما هنوز در اشغال دشمن بود. شما به صدام بگویید از خانه ما بیرون برود تا ما بنشینیم صلح کنیم. دوم اینکه ما به کسی حمله نکردیم و ما متجاوز نبودیم. بیایید اقرار کنید و اعلام کنید که چه کسی متجاوز است. باز هم قبول نمی‌کردند. سوم این بود که خب یک آقای بی‌اسم صدام آمده، زده، کشته

و خراب کرده، ما یک‌سری خسارات و غرامات داریم که اینها را بدهید، این شرطها ابتدایی‌ترین شروط ملتی است که بهش ظلم شده است. می‌گفتند نه، حالا بیایید آتش‌بس کنیم بعد می‌آییم سر میز مذاکره صحبت می‌کنیم و اینها حل می‌شود. یعنی همان بلایی که ۶۰ سال بر سر فلسطین آوردند

می‌خواستند بر سر ما هم بیاورند. اسرائیل حمله کرد فلسطین را اشغال کرد، بلندی‌های جولان سوریه را اشغال کرد، کرانه باختری رود اردن را اشغال کرد، جنوب لبنان را اشغال کرد، صحرای سینای مصر را اشغال کرد، همه اینها را ظرف شش روز اشغال کرد. بعد هم گفتند آقا، نجات پیدا کنید و بنشینید صحبت کنید. ۶۰ سال است که دارند صحبت می‌کنند، ولی نتوانستند حق و حقوقشان را بگیرند. همین بلا را می‌خواستند سر ما بیاورند.

و غیرمتعهدها، هیچ‌کدام یک طرح صلح و آشتی معتبری برای ما نیاوردند. دکتر ولایتی در خاطراتش می‌گوید هرچه به ما می‌گفتند درگوشی بود که آقا نجات پیدا کنید، جنگ بد است، جنگ خوب نیست و فلان. تا زمان آزادسازی خرمشهر هیچ‌کس حاضر نبود صدای ما را بشنود. نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور می‌رفتند توی سازمان ملل داد می‌زدند، اینها اصلاً روی خود را آن طرف می‌کردند. می‌گفتند ما نمی‌شنویم اصلاً چه می‌گویید. ولی بعد از خرمشهر اینها ترسیدند و به صرافت افتادند. وقتی دیدند صدام دارد شکست می‌خورد، امریکا ناوش را به خلیج فارس آورد، کشورهای عربی حامی صدام که تا آن موقع یواشکی و دزدکی به صدام کمک می‌کردند، آن موقع علنی اعلام موضع کردند. اسرائیل وحشت کرد و به جنوب لبنان و حزب‌الله حمله کرد و تا بیروت آمد. ورق برگشت. بعد از عملیات بیت‌المقدس، همه حامیان صدام و برخی از سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی شروع کردند به ادعای صلح‌طلبی و می‌خواستند جنگ را تمام کنند. پیام آوردند که آقا نجات پیدا کنید و فلان. ما هم می‌دانستیم اینها دروغ می‌گویند. حضرت امام می‌دانست اینها دروغ می‌گویند، ولی برای اینکه به دنیا ثابت کند ما اهل جنگ نیستیم، گفت اشکالی ندارد، بیایند بنشینند صحبت کنند. سازمان کنفرانس اسلامی به ریاست حبیب شطی رفتند خدمت امام و داعیه صلح‌طلبی داشتند.

### شروط امام برای پذیرش صلح و توقف جنگ

حضرت امام گفتند اشکالی ندارد ما جنگ طلب نیستیم، بیایید صلح کنیم، اما سه تا شرط داریم:

ما کشورگشا نبودیم و به خاک دشمن طمع نداشتیم، ولی تا قبل از خرمشهر هیچ مرجع بین‌المللی، نه شورای امنیت، نه سازمان ملل، نه مجامع منطقه‌ای مثل سازمان کنفرانس اسلامی و غیرمتعهدها، هیچ‌کدام یک طرح صلح و آشتی معتبری برای ما نیاوردند.





روایت علی شیروانی، یادمان شهدای عملیات کربلا ۵ (شلمچه)، اسفندماه ۱۳۹۵.

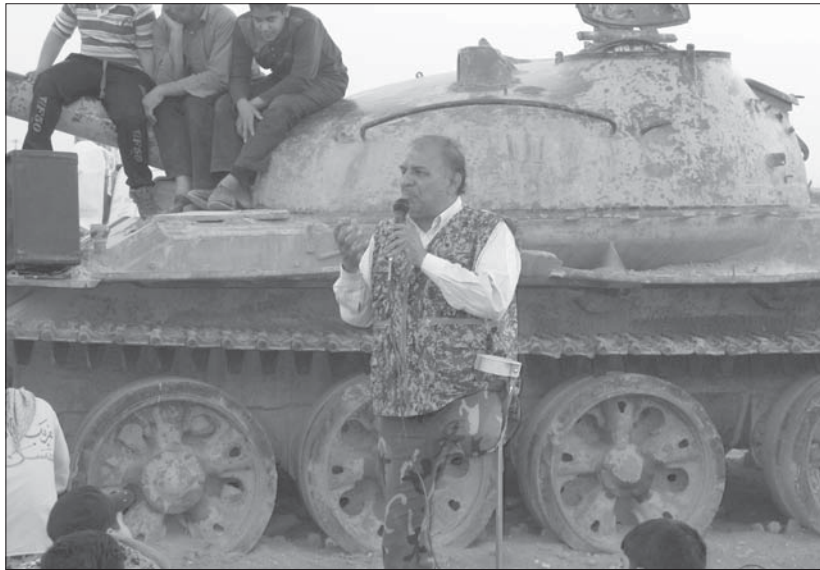
### غافلگیر شدن دشمن در عملیات کربلا ۵

ما سالی یکبار عملیات انجام می‌دادیم؛ چون جنگمان مردمی بود، باید بسیج می‌آمد و جمع می‌شد و موقع کلاس دانشجویها و محصول کشاورزان هم نبود. عراق هم می‌دانست که ما سالی یکبار عملیات بزرگ انجام می‌دهیم، بنابراین خیالش راحت شد و تبلیغات وسیعی انجام داد. یک هفته در عراق جشن و پایکوبی بود که ما عملیات ایران را شکست دادیم. فرماندهان رده بالای عراق به مرخصی رفتند، فرماندهان رده دوم و سومشان هم به مرخصی رفتند و مشغول جشن و پایکوبی بودند و خیالشان راحت شد. دو هفته بعد عملیات کربلا ۵ از این محوری که هیچ‌کسی فکرش را نمی‌کرد شروع شد. رزمندگان این سنگرها را دور زدند و وارد شلمچه شدند و سریع به طرف بصره پیشروی کردند. تا عراق آمد به خودش بجنبد و بفهمد از کجا ضربه خورده، نیروهای رزمنده حدود ۱۳ - ۱۴ کیلومتر در شرق بصره و شلمچه

دشمن را اینجا مشغول کنید. هم‌زمان اینجا تک فرعی شد و آنجا ما شکست خوردیم. از آنجایی که خداوند با مجاهدین فی سبیل الله است و در مواقع خیلی سخت و آن موقعی که دیگر انقطاع انجام می‌شود و انسان از هر چیز دنیایی و مادی و آن زور و بازو و امکاناتش ناامید می‌شود، خداوند فضل و کرمش را می‌رساند، اتفاقاً این دو لشکر توانستند از اینجا وارد سنگرها و موانعی شوند که عراقی‌ها به آنها می‌گفتند دژ اسطوره‌ای. سال‌ها بعد از جنگ خواندیم که عدنان خیرالله وزیر جنگ صدام، در گزارش‌هایش گفته بود ما در شلمچه کاری کردیم که گنجشک‌ها هم نمی‌توانند از شلمچه عبور کنند. این دو لشکر از اینجا موفق شدند موانع را بشکنند و وارد خاک عراق شوند. وقتی آنجا (در منطقه عملیات کربلا ۴) شکست خوردیم، فرماندهان فوری فرمان توقف عملیات کربلا ۴ را دادند. به این دو لشکر هم گفتند برگردید و به فکر افتادند که [برای ادامه عملیات] از این نقطه بیایند







روایت علی شیروانی، یادمان شهدای عملیات کربلا ۵ (شلمچه)، اسفندماه ۱۳۹۵.

### مخلص کلام

معرفت ما را نسبت به همه شهدا زیاد کند. خشنودی آقا امام زمان، سلامتی مقام معظم رهبری و شادی روح شهدا بلند صلوات بفرستید».

### ارزیابی روایت

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت که این روایت یکی از روایت‌های خوب و کم اشکال در موضوع دفاع مقدس است. مهم‌ترین نقاط قوت این روایت عبارت‌اند از:

۱. تسلط بر موضوعات و مهارت در بیان آنها: راوی کاروان از رزمندگان جبهه و جنگ بود و به حوادث و رخداد‌های در دوران دفاع مقدس اشراف داشت. جانباز بودن راوی (قطع یک پا) نشان از حضور ایشان در جنگ و تسلط بر موضوعات و عملیات‌های دفاع مقدس دارد. از طرفی بیان ایشان در ارائه مطالب شیوا، رسا و قابل فهم برای مخاطبان بود.

حضرت آقا فرمودند شلمچه قطعه‌ای از بهشت است. شلمچه جایی است که در روایات آمده است وقتی امام رضا<sup>(ع)</sup> از این مسیر وارد ایران شد، اینجا ایستاد و مشتی خاک برداشت و فرمود اینجا قتلگاه شیعیان آخرالزمانی ما است. بنیاد شهید آماری از شهدای شلمچه دارد و می‌گوید اینها از پهلو و سینه شهید شدند. رمز عملیات "یا زهرا<sup>(س)</sup>" بود. اینها به خدا توکل کردند و به ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> توسل کردند تا توانستند برای ما عزت بیافرینند. قدر بدانید و در این چند دقیقه دیگری که اینجا هستید از شهدا بخواهیم که در این دنیای وانفسا و در این تهاجم فرهنگی و در این شبیخون دست ما را بگیرند. ما دیگر نمی‌توانیم کاری بکنیم، اینها باید دست ما را بگیرند. الآن هم ما را دعوت کردند آمدیم روی این خاک‌ها نشستیم که بگوییم ما هنوز با شما هستیم. ان شاء الله که خداوند

